

حاج آقا نورالله در منظر امام خمینی

در منظر امام خمینی، حاج آقا نورالله جزو پیشتاژان علما و مجتهدین بزرگ شیعه است که، در سنگر جهاد علیه استبداد و در مصاف با رضاخان، خود و حوزه اصفهان را بسیج نموده و در هجرتی تاریخی به قم با اساس حکومت استبدادی به نبرد برمی خیزد و اگر چه در این راه شهید می شود، ولی پرچم مبارزه علیه پهلوی را در اهتزاز نگاه می دارد:

«در زمان این مرد سوادکوهی، این رضاخان قلدر نانجیب، یک قیام از علمای اصفهان شد که ما در واقعه حاضر بودیم. علمای اصفهان آمدند به قم و علمای بلاد هم از اطراف جمع شدند در قم و برخلاف دستگاه نهضت کردند.»

«یک قیام از علمای اصفهان شد. آن وقت اصفهان حوزه بود؛ علمای اصفهان آمدند به قم و علمای بلاد هم از اطراف جمع شدند در قم و نهضت کردند برخلاف آنها. آنگاه نهضت را شکستند.»

«در طول پنجاه سال همه شما شاهد بودید که چندین دفعه روحانیون قیام کردند؛ لکن چون اساس دست آنها نبود، نتوانستند. همین روحانیون بودند که از اصفهان و همه جا، زمان رضاخان مجتمع شدند برضد او ولی از باب اینکه مردم تحت سلطه بودند، شکست خوردند.»

«چند قیامی که در ایران از جانب روحانیون شد که یکی از آنها از اصفهان بود که به یک دایره وسیعی که تقریباً از همه شهرهای ایران اتصال پیدا شد و در قم مجتمع شدند و مرحوم حاج آقا نورالله رأسشان بود و مخالفت با رضاخان کردند. این را هم با قدرت و حيله شکستند چنانچه قیام آذربایجان و علمای آذربایجان و قیام خراسان و علمای خراسان، اینها را همه را با قدرت شکستند و آن وقت هم به ما بعضیها گفتند مرحوم حاج آقا نورالله را که در قم فوت شد، ایشان را مسموم کردند.»

این چند قیامی که شاهدش بودیم همه از علما بودند، علمای اصفهان قیام کردند و رأسشان مرحوم حاج آقا نورالله بود.»^۱



رضاخان به همراه رجال نظامی و سیاسی

بر سر راه اعاده استبداد و تسلط غرب باوران و دین ستیزان بود. هر چند غلبه جریان سکولار بر متدینین در ایران عصر مشروطه مانع از دستیابی نهضت به اهداف عالیه خود شد و در آن چنان شرایطی عرصه بر علما و متدینین نظیر مرحوم آقا نجفی اصفهانی، حاج آقا نورالله اصفهانی، سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی و قبل از آنها بر علمایی مانند حاج شیخ فضل الله نوری و علمای مشروطه طلب تنگ شد تا جایی که سید عبدالله بهبهانی و حاج شیخ فضل الله نوری به شهادت رسیدند و مرحوم حاج آقا نورالله نیز مهاجرتی اجباری را به جان خرید و به نجف اشرف رفت. و در نهایت رویکرد مشروطه طلبان غربگرا به ایجاد حکومت مقتدر با نام «دیکتاتوری منور» شرایط را برای وارد کردن ضربه نهایی بر سنت ها و ارزش های دینی فراهم ساخت و حکومت مشروطه ایران را عملاً به حکومت استبدادی خشنی که به مراتب از حکومت قاجاری خشن تر بود و ضمن اعمال خشونت بی حد و حصر، نابودی اسلام و علما را نیز در دستور کار خود داشت تبدیل نمودند. حکومت پهلوی پس از استقرار به جنگ ارزش های دینی آمد و در اینجا نیز بزرگانی نظیر شهید مدرس و شهید حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی به جنگ دستگاه خودکامه و خشن پهلوی آمدند تا یادآور شوند که مشروطیت ایران برای استقرار نظامی مردمسالار با گرایش های دینی آغاز شد و می بایستی به همان خاستگاه های دینی خود رجوع نماید. بی توجهی و هراس دستگاه خشن پهلوی که هر اعتراضی را به شدت سرکوب می کرد حاکی از شجاعت و احساس خطری بود که اهل دیانت نسبت به عواقب این حرکت می کردند.

پهلوی وظیفه داشت بساط دین و دینداران را در ایران براندازد و علما تکلیف داشتند که از کیان دیانت و ایران صیانت کنند، لذا برخورد و تقابل حتمی بود و پرچمدار این تقابل بزرگانی نظیر حاج آقا نورالله اصفهانی و سید حسن مدرس بودند که جان بر سر این کار گذاشتند. بنابراین وظیفه خود می دانیم که ضمن تشریح تحولات سیاسی - فرهنگی ایران در آن دوران تلاش آن بزرگان را نیز پاس بداریم. همایش، ان شاء الله طی روز در اصفهان و شهرکرد برگزار خواهد شد و شرکت پژوهشگران و محققان ارجمند قطعاً باعث غنای علمی همایش خواهد گشت.

۱. سخنرانی امام روح الله خمینی، به تاریخ ۱۳۵۸/۸/۸، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.